

نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۲۰ - سه شنبه ۹ اسفندماه ۱۳۵۶

درود شور انگیز به مردم قهرمان تبریز!

(اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

روز شنبه ۲۹ بهمن ماه در یکسلسله از شهرها و از جمله تبریز، انزلی، شیراز، اهواز و غیره، قشرهای مختلف مردم برای نشان دادن خشم و اعتراض خویش نسبت به رژیم دست به تظاهر زدند. این تظاهرات مردم در شهر تبریز دامنه ای وسیع یافت. در این شهر نیروهای مسلح بدستور چپرانه شاه و برای حفظ رژیم استبدادی و ضد ملی وی مردم بی سلاح را در معرض گلوله باران وحشیانه و حمله سیمانه تانکها و مسلسلها قرار دادند. همه کثیری از مردم تبریز در اثر این ایثار دهنشانه شهید و یا مجروح شدند. در جریان این حوادث رژیم بنا بشیوه همیشگی خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری بدست چاقو کشتن و اوباشان سواک، در تلاش است این بربریت آدمکشانه خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظام دست به تظاهر زده بودند، مورد آزار و اهانت و تعقیب قرار دهد. سختگیران رژیم در مجالس و سنا و رسانه های گروهی با بکار بردن ترفندی که براننده خود آنها و ارباب تاجدار آنهاست، در حق مردم شرافتمند تبریز انتسابات زشت بکار میبرند. ما درود پرشور خود را به مردم دلاور تبریز، این گهواره ارجمند آزادی و جنبش مترقی در مین ما، ابراز میداریم و به گلوله باران سیمانه مردم از طرف رژیم ضد ملی و استبدادی شاه با حدت هر چه تماشاگر اعتراض میکنیم.

حزب توده ایران در برابر شهدای این فاجعه بزرگ سر تعظیم فرود میآورد و همدلی و همبستگی خود را با بازماندگان آنان ابراز میدارد. حوادث تبریز زلزله بزرگی است که فرکاخ پایند استبداد محمدرضا شاه روی داده و بزرگترین موج جنبش مردم در سالهای اخیر است و نشأت میدهد که در جزیره ثبات، ظروف خشم همگنی می خورد. این حوادث یکبار دیگر نشأت داد که سرب آتشین قادر نیست مردم از جانب گذشته ای با که برای نيل باستانال و دستکراسی پاپی خسانته اند و از رژیم استبدادی بچا بیزرانند، بهرسانند. مبارزه طبقات و قشرهای متحد خلق علیه رژیم ادامه دارد و گسترش مییابد. حزب توده ایران با تمام نیروی خود پشتیبان و شریک این مبارزات است. حزب توده ایران از همه نیروهای مترقی و ضد رژیم دعوت میکند که با تمام قوا برای سوق بیشتر توده ها به مبارزه همه مساعی و ابتکارات خود را بکار برند و در این مبارزه سرخشی و پیگیری نشان دهند.

پیرروز یک مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضا شاه!
متحد باد نیروهای مخالف رژیم در برابر ارتجاع سیاه!
درود شور انگیز ما به مردم قهرمان تبریز!
هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
اول اسفند ۱۳۵۶

حقایق تکان دهنده ای از قیام صد هزار نفری تبریز

خبرهایی که از تبریز، شهر قیام و خون ریزی رسیده، حقایق کتمان شده هولناکی را از قتل عام بی شرمانه و جنون آمیز ابلیس تاجدار و مقاومت پهلوانی و حماسه آفرین خلق رنج دیده و به ستم آمده آذربایجان بر ما می کند. در ریزش از فاجعه تاریخی تبریز ضایع موق و شاهدان صحنه های این طغیان به خون نپیده، تعداد شهداران را ۱۰۰ نفر ذکر می کنند. در حالی که آمار مجروحان به حدود هزار نفر می رسد، خبرنگار "نبرد" تصریح می کند که نزدیک به دو هزار نفر تا کنون دستگیر شده اند و جست و جوی محلات و خانه های مردم و تفتیش بدنی رهگذران نظون در معابر با وسعت و خشونت فرمان و گستاخانه ادامه دارد. شهر در زیر کابوس حکومت نظامی است و گوبسی ارتش فاشیسم آن را اشغال کرده است. خشم در گوی خللی عذارا را با بفرگه خورده و از جراحت مصیبتی که بر قلب شهر قهرمان نشسته هنوز خون می جگد اما خون های پاک که در روزهای ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه روی اسفالت خیابانها و سنگفرشها ریخته گوی، هنوز زبانه می کشد و برای عیاران سرود آزاد و میخوانند برود و خروج به تبریز کنترل می شود، انبوسهای سافیری و قطار زیر نگاههای پر از شک و بدگمانی سگهای تازی رژیم است. خروج اهالی آذربایجان از عزت بانزگان تقریباً قطع شده، رژیم که نتواند آرتیبایش به خون مبارزان و آزادخواهان آفشته است، به شهر مشروطه، شهر آزادی، شهر ستارخان و صدیدرمو اطلق، چشم غره می رود و جنگ و دندان نشان می دهد. او می خواهد ترس و لرز خود را در پرده سمیعت حیوانی ببیند و با بوق سرنیزه و دود باروت و سایه تانکها، شهری را که دست شقایق های سوزان ایران است، به کوری بی نفس و هامت بدل کند، اما در نگاه صد ها هزار تبریزی - جیگان نگاه میلیونها خلق آذربایجان - غرضی خاموشی می جو شد:

شهادی ما را به ما بر گردانید. حالا که زندگی آنها را از ما ربودید، جنازه های گرامی آنها را پنهان نکنید، لاله هایس را که در روزگرمید، به خلق سوگوار برگردانید... جلاها... دروغ با غان...
در متن این عزای عمومی خلق آذربایجان است که رژیم خمسه شببازی مپهورا برای لو ت کردن جنایت فراوانی نشاندنی و تکان دهنده ای که در تبریز مرتکب شده و آغاز کرده است. از یک سو به مدارسرخشنامه رسمی شده تا از طرف معلمان زحمتکش که خود قتری دیگر از قربانیان رژیم استبدادی و ضد ملی اند، به درگاه شاه آدمی خوار شنایش نامه بفرستد و قیام سراسری وتوده ای سنگر مشروطه ایوان رایه اصلاح محکوم کند، و از سوی دهان گشادان مجلسی و تار قارک های سفید تبلیغات جنی روزنامه هسنای ساواک زده و روسی وشن، تیخانه های پراز چرک و لجن خود را به روی ساحتوران طغیان کرده کشد و داند تا واقعیت خواست های... هزار قیام کننده تبریزی و انگیزه های اساسی آن را از مردم بیو شانند و با طلب حقایق و تحریف رویدادها، بانگ شهادت زبیر و تبریز را که باشعار آزادی اوج گرفته است، در روزه هایگوشنواشرو عربده های چندش آور و خویشم کند. در کاربان شعبده بازی رسوا، جلا بزرگ، شاه وز بزرگ نوبه امیرالمسلم فرمان حسان کرده که ما موران خطا کار حوادث خونین تبریز تنبیهی شونند. در حالی که تمامی اخبار و اطلاعات دقیق و تأیید شده حالی آزان است که فرمان قتل عام بی رحمانه تبریز مستقیماً از طرف شاه صادر شده و این نمایش خرنک کن و مبتذل، اهدافی دوگانه خود را فاش می کند. شاه با این فرمان گدانی از یک طرف می خواهد دست خود را از زمین حد ها آزاد بخواد تبریزی بشود و سالوسانسه در برابر انظار مردم مسئولیت این جنایت عظیم را با کفر چنسه مهره ناچیز خود، به گردن دیگران بیندازد، و از طرف دیگر بسا

فرمان دو پهلوی خود آن دسته از نمایان را که علی رغم دستور صریح او از آتش کشیدن به روی خواهران و برادران خویش سرباز زدند و باها اعمال عمدی و تاسع و ناخشنودی آشکار گولبه هایس را به جای سینه های مردم به آسمان شلیک کردند، مرموب کند و به عنوان ضرر در انجام وظیفه تحمیلی و فطرت در برابر اراده خونین و اهریسی فرمانده تاجدار، عقوبت دهد. شکنا که وقاحت و وحشیگری چه طول و عرض هشتناکی دارد!
انزام عجلانه هیات نظامی به تبریز به سرپرستی ارتشبد شفت (آجوردان شاه) و با شرکت کارهای پیشانی سفید دربار نظیر سپید فروزند، سپهبد رسمی و سرلشکر بیت اللهبی درست به خاطر همین ترم و سمع در صفوی ارتش و شهرانسی صورت گرفت. این هیات واقع برای بانن ریشه ها و دلایل طغیان صد هزار نفری تبریز به این شهر نرفت و چرا که شاه و کاسه لیسان و دلگان و ذخیمان او، خود به درستی به انگیزه های قیام خونین و خشمگین مردم واقف بودند. آنچه این هیات عالی رتبه نظامی را وحشت زده به شهر طانی کشاند، صحنه های فراوان سرکشی سربازان و افسران و درجه داران در هجوم به مردم بی سلاحی بود که تنها جوشان آزادخواهی است. پاره ای از این ما موران که به هر حال در درد مشترک خلق سهم بردنسه، لباسهای خود را به دور آنکندند و صفوی آزادی و خلقی ملحق شدند.

بخشناه هایبیبی و سخنرانی های عسی و بر آوتانی که به دنبال قیام تبریز توسط فرماندهان واحدها، پرسنل و کادرهای نظامی را خطاب قرار می دهد، واقعیت ترس عمیق و ریکار رژیم را در بازتاب عصیان شورانگیز مردم به وضوح نشان می دهد. یکی از این فرماندهان به افراد خود گفته است: